

نقدی بر تفسیر موضوعی قرآن کریم با رویکرد اقتصادی

منصور پهلوان*

سیداحمد میرهاشمی اسفهلان**

چکیده

کتاب تفسیر موضوعی قرآن کریم با رویکرد اقتصادی برای دانشجویان رشته‌های علوم اقتصادی و در راستای پیوند قرآن با علوم انسانی در عرصه مسائل اقتصادی، نگاشته شده است. تأکید بر شیوه‌های معتبر تفسیر قرآن با موضوع شناسی علوم اقتصادی از جمله اهداف مؤلف این کتاب است. از سوی دیگر توجه هم‌زمان به گزاره‌های اقتصادی قرآن و مسائل علم اقتصاد از جمله اقتصاد خرد و کلان، مالکیت خصوص و دولتی، فعالیت‌های اقتصادی در زمینه تولید، توزیع و خدمات، برداشت‌های ساده و درعین حال کارآمدی از آیات اقتصادی به دست خواهد داد که مخاطب با توجه به عنوان کتاب در پی آن‌هاست. با وجود چنین تلاش‌های روبه‌رشدی که این اثر در ادبیات تفسیر اقتصادی دارد، حالت گزارش گونه متن و حجم بالای آن فرصت بحث در بخش‌های مهم اقتصادی از جمله مسائل مالی روز، بحث ربا و مسایل متعدد بانکی و پولی را گرفته است و در برخی موارد نیز دلالت‌های تفسیری کافی و مستدل نیست.

کلیدواژه‌ها: آیات اقتصادی، اقتصاد اسلامی، تفسیر موضوعی، نظام اقتصادی قرآن.

*استاد گروه معارف دانشگاه تهران. pahlevan@ut.ac.ir

**دانشجوی دکترای تفسیر تطبیقی پژوهشکده نهج‌البلاغه و مدرس دروس معارف. (نویسنده مسئول)

mirahmad14@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۱۳

۱ مقدمه

با توجه به معارف والای قرآن و سنت و امکان بهره‌گیری از آن در زمینه‌های مختلف زندگی بشر، اقتصاد اسلامی به‌عنوان شاخه‌ای از علم اقتصاد (در کنار سایر دیدگاه‌های این رشته) مورد توجه جوامع مسلمان قرار گرفته است. اقتصاد اسلامی در هر سطحی که ادعا شود (علم، مکتب و یا نظام اقتصادی) نباید به گزاره‌های اقتصادی یا احکام مطرح در قرآن و روایات (از جمله احکام معاملات و ارث و...) محدود شود. برای این کار لازم است ضمن رعایت اصول تفسیر و سیاق آیات، عبارات ارزشی و یا وصفی به شکل کاربردی مورد بررسی قرار گیرد. تعریف جدیدی از علم اقتصاد صورت گیرد و الگوی نظام اقتصادی اسلام (در صورت دستیابی) ترسیم شود. کارایی این نظام زمانی قابل درک خواهد بود که مفاهیم و قوانین اقتصاد متعارف بر آن تحمیل نشود و التزام جامعه اسلامی با این نظام همگام با الزام قوانین متناسب صورت گیرد.

پدیده‌های اجتماعی - اقتصادی بر اساس ساخت نهادی عینیت و واقعیت پیدا می‌کنند و هر جامعه‌ای که ساخت نهادی خاص خود را دارد، نمی‌توان نظریات علمی برخاسته از ساخت نهادی جامعه‌ای را به جامعه دیگر پیوند زد، هرچند در برخی نهادها مثل پول، اصل مبادله و... مشترک باشند (آقا نظری، ۱۳۹۴).

۲ معرفی کلی اثر

این کتاب، بعد از مقدمه و پیشگفتار وارد مفاهیم و کلیات حوزه تفسیر می‌شود و آیات اقتصادی قرآن و ضرورت تبیین آن‌ها را خاطر نشان می‌سازد. فصل اول با عنوان ویژگی‌های نظام اقتصادی قرآن به بررسی گستره آیات اقتصادی و ذکر دیدگاه‌های مختلف در خصوص مسائل علمی به‌ویژه مسائل اقتصادی در قرآن پرداخته است. در فصل دوم که با عنوان مبانی بینشی و ارزشی اقتصاد از دیدگاه قرآن تدوین شده است، محور بحث ارزش‌های قرآنی در رفتارها و اخلاق اقتصادی و نیز انواع مالکیت‌ها، از نظر قرآن اشاره دارد. فصل سوم و چهارم به‌عنوان مکمل یکدیگر با عناوین "اهداف اقتصاد از دیدگاه قرآن" و "نظام اقتصادی از دیدگاه قرآن" به بحث عدالت، توازن و رشد اقتصادی و نیز مباحث تولید، توزیع و مصرف از نگاه قرآن می‌پردازد و در آخرین فصل ناهنجاری‌های اقتصادی از جمله ربا، کم‌فروشی و رشوه و... مورد بررسی موضوعی قرار گرفته است.

۳. تفسیر موضوعی

از آنجاکه محوریت بحث نویسنده تفسیر موضوعی است، بهتر است برای بررسی بهتر محتوای این اثر در ابتدا تعریف و اهداف تفسیر موضوعی را باهم مرور کنیم: در تعریف تفسیر موضوعی گفته شده است: جمع‌آوری و جمع‌بندی آیات مختلفی که درباره یک موضوع در سرتاسر قرآن مجید در مناسبت‌های مختلف آمده است به‌منظور استخراج نظر قرآن درباره ماهیت موضوع و ابعاد گوناگون آن (مکارم شیرازی ۱۳۷۴: ۱، ۲۱)

در تفسیر موضوعی کمتر بر آیه‌ای خاص تأکید می‌شود. اگر به یک آیه بیشتر استشهاد می‌شود هدف، کشف معانی مفرد و شناخت مراد هر یک از آیات نیست؛ بلکه هدف تبیین موضوع و عنوان کلی با توجه به نظر قرآن است. از این‌رو، در تفسیر موضوعی، آیات مرتبط باهم در کنار یکدیگر مورد مطالعه قرار می‌گیرد، و بیش از آنکه بخواهد به فهم معانی واژه، جمله و آیه پردازد، تئوری، طرح و نظریه خاصی را تعقیب می‌کند و در پی پاسخ به سؤالی خاص و دستیابی به فهم دیدگاه قرآن درباره آن موضوع است. با کمک تفسیر موضوعی می‌توان معارف قرآن را به شیوه‌ای سامانمند و سازگار با نیازها و موضوعات بی‌شمار هر عصری ارائه نمود و پاسخ‌ها و راهکارهای عملی از قرآن دریافت نمود. (خامه گر، ۱۳۸۹: ۲۳۷)

در مقام مقایسه بین تفسیر تطبیقی و تفسیر ترتیبی می‌توان گفت: در تفسیر ترتیبی با توجه به گستره وسیع آیات و ابعاد مختلف آن‌ها، مباحث متنوع و دامنه‌داری مطرح می‌شود که سراسر قرآن را پوشش می‌دهد. برخلاف تفسیر موضوعی که به بررسی یک یا چند موضوع مرتبط باهم به‌منظور دستیابی به نظر قرآن درباره آن می‌پردازد. باوجود مزیت یادشده، تفسیر موضوعی باید ملازم با تفسیر ترتیبی صورت پذیرد.

ازلحاظ ارجحیت علمی، تفسیر ترتیبی مقدم بر تفسیر موضوعی است و محقق در نخستین گام باید از روش‌های تفسیر ترتیبی آگاه باشد تا بتواند تفسیری درست در خصوص موضوعات مختلف اعتقادی، اجتماعی و... ارائه کند. در سیر آموزش قرآنی، تفسیر موضوعی بعد از تفسیر ترتیبی است. (جوادی آملی، ۱۳۷۱: ۵۹)

باوجود ذکر مطالب متنوع در خصوص مسائل اقتصادی قرآن، جا دارد نویسنده به تبیین دقیق تعریف اقتصاد از منظر علم اقتصاد و مفاهیم دینی پردازد:

۴ علم اقتصاد و اقتصاد اسلامی

تعاریف اقتصاد از لحاظ اندیشمندان اسلامی با تعریف رایج علم اقتصاد در جامعه غرب متفاوت است. باین حال با بررسی هر کدام نقاط قوت و ضعف آنها و نیز میزان تطبیق آنها با آیات اقتصادی قرآن به دست می‌آید:

الف: علم اقتصاد بررسی رفتار انسانی در زمینه تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات است (قحف. میرمعزی ۱۳۸۵)

با توجه به اینکه این تعریف، پدیده‌های اقتصادی را در ارتباط با رفتارها و روابط انسانی تعریف می‌کند تعریف مناسبی است ولی به نظر می‌رسد در سطح اقتصاد خرد، کارایی داشته باشد ولی مسائل اقتصاد کلان را پوشش ندهد. چراکه در اقتصاد کلان فقط رفتار شخص، خانوارها و گروه‌های اجتماعی تعیین‌کننده نهایی در زمینه تولید، توزیع و مصرف کالاها نیست. عوامل مهم دیگر از جمله سیاست‌های مختلف اقتصادی، پولی و مالی و نیز میزان حمایت سایر نهادهای اجرایی و نظارتی در این امر دخیل هست. علم اقتصاد همزمان با سه مؤلفه در ارتباط است:

۱: فعالیت‌های اقتصادی در راستای تولید، توزیع، مصرف

۲: پدیده‌های اقتصادی تأثیرگذار و تأثیرپذیر در این فعالیت‌ها از جمله رکود، تورم، توسعه و مسایل مالی و پولی

۳: رفتارهای فردی (فرهنگ باورهای دینی یا اخلاقی)، سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، بازار و شرایط منطقه‌ای

علم اقتصاد از این دیدگاه عبارت است از مطالعه رفتارهای تأثیرگذار بر فعالیت‌های اقتصادی و نیز ارتباط دوسویه آنها با پدیده‌های مختلف اقتصادی؛

ب: علم اقتصاد، علم تخصیص بهینه منابع کمیاب است

کمیابی مهم‌ترین موضوع علم اقتصاد هست. شاید بی‌ربط نباشد که گفته شود اگر کمیابی نبود علم اقتصاد هم با وجود نمی‌آمد. کمیابی به این معناست که امکانات و منابع محدود و خواسته‌هایمان نامحدود هست. مثلاً در سطح فردی، درآمد ما محدود است ولی کالاها و خدمات زیادی را می‌خواهیم خریداری کنیم. در سطح کلان نیز به همین وجه، بودجه کشور محدود است ولی نیازها و خواسته‌های زیادی است که در جامعه وجود دارد. وقت ما کمیاب است. نیروی انسانی متخصص، زمین‌های حاصلخیز، آب و هوای سالم و ... همه منابع کمیاب هستند.

با این حال در اقتصاد اسلامی نگاه دیگری به مسئله کمیابی وجود دارد. از جمله محمدباقر صدر بر آن است که دشواری اصلی اقتصاد سرمایه‌داری، کمیابی منابع طبیعی در برابر مقتضیات و نیازهای مدنیّت جدید و در اقتصاد سوسیالیستی، تضاد میان روش تولید و روابط توزیع است. از دیدگاه شهید صدر، مخالفت اسلام در اینجا با سرمایه‌داری از آن رو است که معتقد است در طبیعت، منابع و ثروت‌های فراوانی برای بشریت فراهم است و مخالفتش با سوسیالیسم از آن رو است که مشکل را نه در شیوه‌های تولید، بلکه در خود انسان می‌بیند (پگاه حوزه، ۱۳۸۶: ۲).

بر این اساس واضح است که کمیابی، نتیجه کمبود در خلقت نیست. از نظر قرآن منابع مختلف به صورت معین و با اندازه خاص در طبیعت قرار داده شده است: چنانکه آیات (إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ) قمر: ۴۹ و أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهِ لِقَادِرُونَ. مؤمنون: ۱۸ (وما برای شما آب را به قدر معین از آسمان نازل کرده و در زمین نگاهش داشتیم، و بر نابود کردن آن نیز قادریم). به این اصل اشاره می‌کنند.

اگر منابع اقتصادی اعم از زمین، سرمایه و نیروی کار متناسب باهم دیگر در جوامع مختلف به کار گرفته شود مشکلاتی همچون کمیابی یا معطلی نیروی کار یا عناصر دیگر را نخواهیم داشت. بهره‌گیری از منابع و امکانات خدادادی به میزان نیاز هریک از افراد و به شیوه مطلوب، نارسایی‌های اقتصادی در جوامع انسانی را کم‌رنگ‌تر خواهد ساخت. بر پایه همین اصل (تخصیص بهینه منابع یا رابطه منطقی سرمایه-نیروی انسانی-امکانات)، نگرش اقتصاد دینی در خصوص کمبود منابع، متفاوت‌تر از دیدگاه‌های رایج خواهد بود.

با این حال نباید غافل شد که تخصیص منابع کمیاب، هنر است. در معنای واژه اقتصاد نیز این ضرورت به چشم می‌خورد: اگر واژه اقتصاد در اصطلاح مرسوم غربی به معنای تدبیر منزل است، در فرهنگ‌های معتبر زبان عربی و فارسی عموماً این اصطلاح با عباراتی همچون «رعایت اعتدال»، «اجتناب از افراط و تفریط»، «میان‌روی در هر کار» و «حد وسط بین اسراف و اقتار» تعریف می‌شود. در آیات مشابه مورد بحث، لزوم اعتدال و میان‌روی، استنباط می‌شود. (وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ. حجر: ۲۱) در خصوص این آیه ۲ معنی قابل توجه را می‌توان در نظر گرفت:

الف: هر چیزی قبل از نزولش به این عالم واستقرارش در دنیا، خزینه‌هایی در نزد خدای متعال دارد که در آنجا محدود به حدی نیست، اما زمانی که جامه وجود پوشید محدود و مقدر می‌گردد، (طباطبایی ۱۴۰:۱۲:۱۳۶۳)

ب: یعنی تک تک اشیاء دارای خزاینی هستند، نه اینکه مجموع اشیاء خزاینی داشته باشند. لیکن در بهره‌گیری از آن‌ها باید تناسب نیازهای بالفعل محدود با منابع طبیعی محدود (یعنی در دسترس) و نیازهای بالقوه نامحدود با منابع طبیعی نامحدود (کل منابع) را لحاظ کرد (جوادی املی، ۱۳۸۹).

هدف از علم یا سیستم اقتصاد دینی، نیز این است که امکانات محدود یک جامعه مانند نیروی انسانی، سرمایه و منابع مالی به گونه‌ای تخصیص یابد تا به مطلوبترین شکل، نیازهای کل جامعه (مثل اشتغال، ثبات قیمت‌ها، رشد تولید) را برآورده سازد. البته در بسیاری از تحقیقات و مطالعات اقتصادی، عامل مهم دیگر مورد توجه واقع نمی‌شود. ممکن است یک کالایی در حال حاضر کمیاب نباشد ولی در زمان آتی کمیاب گردد و یا سیاستی در حال حاضر اقتصادی باشد و در زمان دیگر کاملاً غیر اقتصادی. علاوه بر این سیاست‌ها اقتصادی در هر جامعه‌ای باید این عناصر را داشته باشد: تصمیم‌گیری درست، تخصیص بهینه منابع، مدیریت در اجرا.

تلاش مدیران در سیستم‌های اقتصادی مختلف به ویژه اقتصاد اسلامی، باید در جهت رعایت این اصول باشد تا از هرگونه هدر رفت منابع و تبعات آن مصون ماند. در متون روایی نیز به این امر اشاره شده است:

أَلَا وَإِنْ أُعْطِيَ الْمَالُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ (خطبه ۲۶ نهج البلاغه): صرف مال و امکانات در غیر موردی که شایسته آن است اسراف و تبذیر می‌باشد. (اینکه منابع به امور غیر لازم اختصاص یابند و یا به صورت نادرست به افراد داده شوند) پس می‌توان گفت که اقتصاد یعنی استفاده بهینه از مال، امکانات، منابع طبیعی و منابع انسانی متخصص. از این رو علم اقتصاد، تخصیص بهینه منابع مالی، طبیعی و انسانی در فعالیتهای اقتصادی خواهد بود..

چنانکه دیده می‌شود در این تعریف، کمبود یا وفور منابع به عنوان اصل ثابت ولا ینفک در نظر گرفته نمی‌شود، هرچند ممکن است به صورت متغیر مستقل یا وابسته در زمانها و مکانهای مختلف، مورد ارزیابی قرار گیرد.

اولین گام در جهت شناخت اقتصاد ارزشی مبتنی بر آیات و روایات، بررسی عبارات یا آیات قرآنی مرتبط با بحث می باشد. عمده تلاش محققین حوزه اقتصاد اسلامی معطوف به مطالعه درونی این گزاره ها بوده است.

این عبارات حاوی مفاهیم و اصول مهمی در تامین مصالح فردی و اجتماعی است. با این حال آیات اقتصادی قرآن را نمی توان به تنهایی و فارغ از سیاق آیات نزدیک و دور آن ها و نیز فارغ از مضمون و غرض کلی سوره تصویر نمود، چراکه این شیوه، ما را از بسیاری از مفاهیم اقتصادی قرآن دور می سازد.

۵ گفتار دوم: نقد کتاب

۵-۱. ویژگی های تمایز بخش و مثبت کتاب

سر فصل های مصوب کتاب، متناسب با تفسیر موضوعی و بر اساس آیات اقتصادی قرآن است. تلاش صورت گرفته در این اثر در جهت برآوردن اهداف تفسیر موضوعی با محوریت آیات اقتصادی است و آوردن نتایج فصل، پرسش های پایانی و نیز منابعی جهت مطالعه بیشتر، به درک بهتر مطالب کمک خواهد کرد که در مقایسه با برخی دیگر از کتب تفسیر موضوعی قرآن کریم، می تواند از جمله نکات مثبت این کتاب قلمداد شود.

در تعریف گزاره ها یا عبارات اقتصادی قرآن گفته شده است:

نصوص اقتصادی به آن دسته از آیات و روایات اطلاق می شود که درباره رفتارها و روابط اقتصادی مردم با یکدیگر و نیز با دولت در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف و یا مبانی بینشی و ارزشی رفتارها و روابط مذکور می باشد (میرمعزی، ۱۳۸۳)

سه حوزه پیش گفته شده (تولید، توزیع و مصرف) در فصل چهارم کتاب تحت عنوان "نظام اقتصادی از دیدگاه قرآن" به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است (خادم علیزاده ۱۳۹۲: ۱۵۳).

گزاره های موجود در مکتب اقتصادی اسلام، گاهی گزاره های کلی همچون عدالت توزیعی را بیان می کنند و گاهی نیز به مسائل موردی اشاره می کنند: مثل سوره مطففین که به نهی از کم فروشی می پردازد. با این حال می شود حرمت انواع کم فروشی در تولید و ارائه کالا یا خدمات را از آن فهمید. ذکر آیاتی با مفهوم سلبی در خصوص خدمات، تولید یا مصرف مضر برای نوع بشر و جامعه، مبین اهداف اقتصاد اسلامی است که

نویسنده تحت عنوان محدودیت های تولید یا محدودیت های مصرف به آن‌ها اشاره کرده است.

۵-۲. رویکرد انتقادی و کاستی‌های محتوایی کتاب

جلد اثرگویای نیازم‌برم نسل دانشگاهی به تفسیر موضوعی در اقتصاد امروز به ویژه چالش های عمده بانکداری بدون رباست. در عین حال نویسنده فرصت کمی برای بحث مطالب مرتبط با آن گذاشته است.

در ادیان مختلف وبه ویژه دین اسلام برای رعایت عدالت اقتصادی (اعم از عدالت درآمدی، تولیدی یا توزیعی)،اهتمام ویژه ای به حذف عوامل منفی در سلامت اقتصادی جامعه از قبیل ربا و معاملات نا سالم صورت گرفته است. گزاره های مختلفی در قرآن کریم را می توان سراغ داشت که در عین کوتاهی به این مسئله پرداخته است.

۱. "یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکنون تجاراً عن تراض منکم و لا تقتلوا انفسکم". (نساء/۲۹)

در این آیه، نهی از معاملات نا سالم در کنار نهی از قتل نفس آمده است وبه نقش اکل مال باطل در نابسامانیهای اجتماعی هم ردیف قتل اشاره شده است.

باوجوداین،تشخیص شبهات ربا در انواع معاملات بانکی و غیر آن برای بیشتر افرادی که دغدغه معاملات منطبق بر شریعت را دارند کاری دشوار است. این مسئله زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که برخی مجریان و کارمندان برخی بانکها و غالب مراجعین آن‌ها با مقررات و قوانین بانکی و احکام عقود مصوب آشنا نیستند و بسیاری از وام‌گیرندگان عقود را که روی قراردادهای بانکی درج شده است قصد نمی‌کنند. در حالیکه اگر طرفین معامله هیچ آگاهی و قصدی نسبت به ماهیت عقد نداشته باشند، آنچه که در واقعیت اتفاق می‌افتد، قرضی است که با زیاده همراه بوده است و بدون تردید حرام هست.

همان‌طور که عنوان شد،هدف از تفسیر موضوعی در کنار به دست آوردن نظر قرآن در خصوص یک موضوع،پاسخگویی به پرسش‌های جدید،رفع ابهامات و به دست آوردن اسرار و پیام‌های تازه آیات و عبارات قرآنی است. بااین‌حال این نوشتار، در خصوص بخش اول از اهداف تفاسیر موضوعی موفق‌تر بوده است ولی در بخش رفع ابهامات، پیام‌های تازه و پاسخگویی به پرسش‌های جدید (به‌ویژه دانشجویان رشته‌های اقتصاد) موفق به نظر نمی‌رسد.

روش بهره گرفته شده در این کتاب همانند بیشتر کتب تفسیر موضوعی، بر این اساس است که پس از تعیین یک موضوع، به بررسی و جمع‌آوری آیات قرآن پیرامون آن می‌پردازد و سپس با ساماندهی آن‌ها بر اساس چینش منطقی، دیدگاه قرآن را گزارش می‌کند. با این حال این گزارش دهی از پاسخگویی به پرسش‌ها و شبهات متعدد در خصوص امکان‌سنجی کارایی نظام اقتصادی اسلام و نیز روش‌شناختی این امر ناتوان است. برای مثال با کمک رویکرد رایج تفسیر موضوعی می‌توان به دیدگاه قرآن پیرامون احکام و اهمیت زکات دست یافت، اما این رویکرد پاسخ روشنی برای روش نهادینه کردن فرهنگ زکات در جامعه ندارد.

در نظام اقتصادی اسلام، همانند هر نظام دیگر ناچاریم این پیش‌فرض اساسی را داشته باشیم که چارچوب نظام اقتصادی همان چیزی است که جامعه به آن ملتزم می‌شود و در زندگی خود به مقتضای آن عمل می‌کند. (قحف/میرمعزی ۱۳۸۵)

از سوی دیگر میزان پذیرش جامعه در فهم بیشتر مبانی اقتصاد اسلامی، تأثیر بسزایی دارد. اصول اولیه و اخلاقی مطرح شده در گزاره‌های قرآنی و روایات مثل امانت، صداقت و رعایت انصاف در معاملات، راه را برای درک بهتر اهداف متعالی اسلام و نیز کشف روابط نظام‌مند این گزاره‌ها فراهم می‌سازد:

اسلام، بسیاری از معاملات و روابط اقتصادی بین افراد را به عقل انسان واگذاشته تا در آن‌ها تأمل، و آن‌ها را بر اساس اصول منتشره در آیات و روایات تعیین کند، و بدین ترتیب، اسلام بخش‌های بسیاری را رها کرده است تا رسیدن به تصمیم درباره آن‌ها بر اساس ارزیابی و فهم مردم و نیازها و سطح تمدن آنان انجام شود (ر.ک همان).

علاوه بر این با توجه با گستره آیات اقتصادی قرآن و مطالب مرتبط با آن، اگر از روش "تفسیر آیات برگزیده در خصوص مسائل اقتصادی" بهره گرفته می‌شد، برای دانشجویان رشته‌های مختلف و نیز سایر محققین، کار آبی بیشتری داشت.

در کنار این امر، عدم معرفی و بیان هدف کتاب در پشت جلد را می‌توان از کاستی‌های آن برشمرد.

۵-۲-۱. مالکیت خصوصی در قرآن

با اینکه نویسنده در خصوص انواع مالکیت از دیدگاه قرآن تقسیم‌بندی مورد قبولی را ارائه کرده است، با این حال مطالب ایشان در خصوص مالکیت فردی، دارای نقاط ضعف محتوایی است برای شرح مالکیت خصوصی، در سه جای مختلف، سه عنوان به‌ظاهر

هم معنی را به جای هم بکار برده است؛ مالکیت خصوصی، مالکیت فردی و مالکیت شخصی. (ص ۹۵)

در ابتدا باید تعریفی از مالکیت خصوصی و گستره مفهومی آن در علم حقوق و نیز دیدگاه قرآنی بیان شود تا مخاطب با ارتباط این بخش از مطالب با نظام‌های اقتصادی رایج در دنیا و مسایلی همانند اقتصاد دولتی و نیز بخش خصوصی بیشتر ارتباط برقرار کند؛

مالکیت خصوصی عبارت است از اینکه مال مرتبط با شخص یا اشخاص معینی باشد؛ بنابراین مالکیت خصوصی خود چند نوع است:

الف- «مالکیت فردی»: مالکیت فردی آن است که: یک نفر مالک چیزی باشد و در آن شریکی نداشته باشد.

ب- «مالکیت گروهی»: منظور از مالکیت گروهی این است که: مال یا اموال خاصی به طور مشترک به افراد و جمع معینی مربوط شود مثل اینکه: گروه خاصی با هم اقدام به یک فعالیت صنعتی و کشاورزی می‌نمایند، نتیجه و محصول آن نیز به مالکیت مشترک و گروه درمی‌آید؛ و از آنجاکه این گروه افراد معینی هستند این نوع نیز شکلی از مالکیت خصوصی به شمار می‌آید؛ در مقابل مالکیت دولتی که بسته به شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور گستردگی متفاوتی می‌تواند داشته باشد.

در این میان بحث‌های مرتبط با نقش خصوصی سازی و عدم تحمیل تمام امورات اقتصادی به سیستم دولتی، می‌تواند بر اساس آیات و روایات مورد بررسی قرار گیرد. از سوی دیگر نقش نظارتی دولت بیش از نقش مالکیتی آن تأثیرگذار خواهد بود. چنانچه آیه "

ما افاء الله على رسوله من اهل القرى فلله وللرسول ولذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل کیلا یکون دولة بین الاغنیاء منکم و ما اتکم الرسول فخذوه و ما نهکم عنه فاتتهوا و اتقوا الله ان الله شدید العقاب (حشر: ۷)

در کنار این امر که مویذ مالکیت دولتی است (ص ۱۰۷)، می‌تواند ناظر بر امر بودجه بندی و نظارتی دولت نیز باشد.

از آنجاییکه برنامه های اقتصادی دین اسلام در پی تعدیل نابرابریهای ثروت در بین افراد جامعه است، تلاش یک نظام یا سیستم اقتصادی منطبق بر شریعت نیز باید بر این محور باشد:

"چیزی که هست از آنجا که امر فیء ارجاع به رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) شده، او می توانسته به هر نحو که صلاح بداند به مصرف برساند، و آن روز و در شرایط آن روز مصلحت دیده آن طور تقسیم کند." (طباطبایی، ۲۰۳: ۱۹: ۱۳۶۳)

همچنین با وجود ارتباط بین آیه "وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ" با نقش دولت در چرخه اقتصادی و مبارزه با رکود پولهای حقیقی (طلا و نقره) بهتر است در صورت استناد به چنین امری در جامعه امروزی، عنوان شود که این رویه، مصداق کمتری نسبت به سفته بازی و گرایش به ارزهای خارجی دارد، امری که مخرب تر از رکود پولهای حقیقی است. در این میان، نقش دولت در اصلاح مشکلات مرتبط با این مسئله بهتر قابل پیگیری است.

۲۰۲. یک آیه موضوع چند مفهوم مختلف

هرچند هریک از آیات کلام وحی، می تواند مفاهیم متعددی را در بر داشته باشد و هیچ گاه نمی توان مفاهیم آیات را در یک عنوان محصور کرد، ولی به نظر می رسد برای ذهن مخاطبی که به مطالعه تفسیر موضوعی قرآن کریم پرداخته است، استفاده از هر آیه در یک عنوان کلی و مانوس، مناسب تر باشد. به عنوان مثال آیه احل الله البيع و حرم الربوا، بیش از هر مطلب اقتصادی دیگر به تبیین تجارت حلال و پرهیز از تجارت غیر شرعی اشاره دارد. با این حال نویسنده در بیان مالکیت فردی، بدون مقدمه مطلب را چنین شروع می کند:

قران کریم در مواردی با معتبر شمردن لوازم مالکیت شخصی، این نوع مالکیت را تایید نموده است. مثلاً یکی از لوازم مالکیت، درستی خرید و فروش است: احل الله البيع (ص ۹۵).

از سوی دیگر ارتباط بین آیه "یا ایت استاجر ان خیر من استاجرت القوی الامین" با بحث مالکیت خصوصی تا حدی دور از ذهن است. به ویژه اگر این مسئله از سوی فردی مورد توجه قرار گیرد که برای دیگران اجیر می شود تا برای مدتی بخشی از امور وی را به انجام برساند. (با این دیدگاه فردی که برای دیگری اجیر می شود، خود را مملوک او تصور می کند)

"بنابراین از این آیه می توان اصل مقبولیت رابطه حقوقی اجیر شدن انسان نزد دیگری را برداشت کرد" (ص ۹۶).

مگر اینکه گفته شود فرد در صورتی می تواند برای خود کسی را اجیر کند که بتواند مالکیت منافع این رابطه حقوقی را داشته باشد.

۵-۲-۲. تفسیر مغایر با تفسیر ترتیبی

انچه در تفسیر موضوعی، نباید از ذهن دور داشت این است که تفاسیر ترتیبی برای آیه مورد نظر کدام مفاهیم را در اولویت قرار داده اند. ارتباط بین عبارات آیه و موضوع مورد نظر ذهن پرسشگر، نباید با مفهوم کلی آیه متفاوت باشد. برای نمونه آیه " أَوْلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَنَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (روم: ۹)

مفهوم اصلی این آیه بیان این نکته است که بسیاری از مردم به معاد کافرند، و چون با کفر به معاد، دین حق لغو می شود، لذا دنباله آن سرگذشت امتهای کافر گذشته را خاطر نشان ساخت، باشد که از شنیدن آن عبرت گرفته و از کفر دست بردارند، (طباطبایی، ۱۶:۲۴۰)

تکیه بر موضوع عمران و کشاورزی و امثال آن، با سیاق آیه چندان متناسب نیست و هدف اصلی آن را که همان عدم دلبستگی به منافع مادی است و نیز لحن آیه را که با نوعی توبیخ همراه است به فراموشی می سپارد:

قران در این آیه اقتدار اقتصادی را در سایه آبادانی و رشد اقتصادی می داند. بنابراین منافع جامعه اسلامی و افزایش اقتدار و نیروی آن، با آبادانی بیشتر و تولید و رشد اقتصادی، آن هم در بلند مدت تضمین می شود. (ص ۱۳۵)

نکته جالب تر در خصوص این استناد نادرست، بهره گیری از آن در فصل نظام اقتصادی و زیر عنوان بحث تولید است که با وجود ذکر تفسیر آیه از مجمع البیان، رابطه ضعیف بین مفهوم تولید و این آیه را دوباره پیش می کشد:

این سخن بالتلازم، تایید تولید و سرمایه گذاری از یکسو و افزایش سطح سرمایه گذاری و رشد اقتصادی در سایه عوامل تولید بیشتر (به خصوص سرمایه، نیروی انسانی و رشد مطلوب جمعیت) می باشد. (ص ۱۶۶)

این در حالی است که دلالت ذکر شده در مورد آیه از سوی مفسر مورد استناد نویسنده، مغایر با این برداشت است: زحیلی می نویسد که این آیه بر مواردی چند دلالت دارد از جمله؛

الف- تشویق به تفکر در هستی؛

ب- خطا بودن اعتماد به نیروی جسم و فراوانی اموال و اولاد؛ چراکه در قیامت به کار نمی آید. (وهبه زحیلی، التفسیر المنیر فی العقیده والشریعه والمنهج، ج ۲۱، ص ۵۷) در مقابل، در برخی موارد نویسنده بعد از بیان مفاهیم آیه، در بهره‌گیری از کاربردهای آیه بر اساس قاعده جری و انطباق، مردد است و بحث را نیسمه تمام می‌گذارد. توجه به اطلاق و تقیید آیه، راه را برای درک بهتر مفهوم آن هموارتر می‌کند. در بحث اقتدار اقتصادی، نویسنده به آیه

وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (بقره: ۱۲۰)

استناد کرده است: یهود و نصاری، تبعیت از پیامبر (ص) را مشروط به به قبول پیشنهاد صلح و سازش از سوی آنان کردند که خداوند پیامبرش را از موافقت با آنان مایوس کرد. (طبرسی، مجمع البیان، ۱: ۳۷۴)

با این حال از لحن آیه می‌توان هر نوع همسویی با بیگانگان را در قبال تمایل فکری، اقتصادی و سیاسی استنباط کرد و لزومی ندارد که فقط یهود و نصاری، مراد آن باشد و ممکن است این آسیب در شکل یک مکتب یا نظام اقتصادی و سیاسی دیگری متوجه جامعه مسلمین باشد. بنابراین محدود کردن خطرات به آیین یهود و نصاری، نمی‌تواند منطبق بر هدف اصلی آیه باشد. "این آیه جامعه و دولت اسلامی را از هر نوع پیروی از آیین تحریف شده یهود و نصاری منع کرده؛ آن گونه که هر رویکرد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که همراه با تسلیم شدن در برابر آنان باشد، نصرت و یاری خداوند را به دنبال نخواهد داشت" (خادم علیزاده، ۱۳۱: ۱۳۹۲)

در موارد دیگری، نویسنده با وجود آگاهی از محدود بودن آیاتی که بر تولید دلالت دارند، به دلالت التزامی روی می‌آورد و آیاتی را با این رویکرد مورد بررسی قرار می‌دهد.

الف: وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (توبه: ۱۰۹)

ب: وَمَنْ يَقْتُلْ مَنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا اَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَاعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا (احزاب: ۳۱)

با اینکه وجه این گونه دلالت را بیان نمی‌کند و مخاطب را از دلیل استناد ممکن آگاه نمی‌سازد. هر چند گفته شده است که معانی التزامی محصور و محدود نیست و به همین دلیل، نمی‌توان معیار خاصی در کمیت آن ارائه کرد، با این حال کلام بر هر معنایی که -

به دلالت عرف یا عقل و شرع - لازم آن به شمار آید، دلالت خواهد داشت که در آیات مورد اشاره چندان واضح نیست. برخی از علما تصریح کرده اند که اگر بعضی از معانی نسبت به دیگر لوازم مشهورتر بود، بر همان مدلول حمل می‌شود؛ مثلاً واژه شیر دارای معانی التزامی متعددی است، ولی از همه مشهورتر، معنای شجاعت است. بنابراین با وجود آن، لوازم غیرمشهور از آن استفاده نمی‌شود (طوسی (۸: ۱۳۵۵))

۶. ساختار و فصل بندی کتاب

باتوجه به گستردگی مطالب در خصوص آیات اقتصادی کلام وحی، حجم بالای کتاب درسی، فرصت سوال و جواب و نقد و بررسی شبهات را از مخاطب می‌گیرد و متن گزارش گونه آن، ارتباط با دانشجو را محدود می‌کند. درحالی‌که همانطور که عنوان شد، هدف از تفسیر موضوعی در کنار به دست آوردن نظر قرآن در خصوص یک موضوع، پاسخگویی به پرسش‌های جدید، رفع ابهامات و به دست آوردن اسرار و پیام‌های تازه آیات و عبارات قرآنی است. با وجود موفقیت‌های نسبی اقتصاد سرمایه داری، ذهن مخاطب دنبال ظرفیت‌های گزاره‌های اقتصادی قرآن در جهت پیاده سازی الگویی موفق تر است.

مؤلف در خصوص محورهای مورد بحث این اثر بر این عقیده است که رویکرد تفسیری، متفاوت از مباحث تخصصی فقهی در زمینه مسائل اقتصادی است (ص ۲۵). با این حال بحث از فعالیتهای بازرگانی و تجاری مباح در مقابل فعالیتهای مخرب اقتصادی با استناد به آیات و روایات و مباحث اولیه فقه، مغایرتی با هدف مؤلف ندارد.

همچنین عنوان می‌کند که از میان مسائل گسترده اقتصادی در قرآن، فقط مسایلی عنوان شده اند که دارای بستر آشکار تفسیری و مستند قرآنی بوده است (ص ۲۶). با این وجود آیات بسیاری با مضامین مهم اقتصادی و با دلالت‌های آشکار در تفاسیر ترتیبی، مورد اشاره کتاب قرار نگرفته است. برای مثال آیه:

قال تزرعون سبع سنین دأ با فما حصدتم فذروه فی سنبله الا قليلا مما تاكلون (یوسف: ۴۷)

هفت سال پی در پی باید با جدیت زراعت کنید چرا که در این هفت سال بارندگی فراوان است، ولی آنچه را درو می‌کنید به صورت همان خوشه در انبارها ذخیره کنید، جز به مقدار کم و جیره بندی که

برای خوردن نیاز دارید. اما بدانید که بعد از این هفت سال هفت سال خشک و کم باران و سخت در پیش دارید که تنها باید از آنچه از سالهای قبل ذخیره کرده اید استفاده کنید و گرنه هلاک خواهید شد .

ولی مراقب باشید در آن هفت سال خشک و قحطی نباید تمام موجودی انبارها را صرف تغذیه کنید، بلکه باید مقدار کمی برای زراعت سال بعد که سال خوبی خواهد بود نگهداری نمائید.

اگر با برنامه و نقشه حساب شده این هفت سال خشک و سخت را پشت سر بگذارید دیگر خطری شما را تهدید نمی کند، زیرا بعد از آن سالی فرا می رسد پر باران که مردم از این موهبت آسمانی بهره مند می شوند. (مکارم شیرازی، ۴۲۷: ۹: ۱۳۷۴)

بنابراین لزوم برنامه ریزی دقیق در مصرف و بکارگیری تمام امکانات از سوی مدیران و همسویی مردم با این امر، از مهم ترین برنامه های استقلال اقتصادی است.

در کنار این مسئله مهم، حوزه اقتصاد فردی و اقتصاد کلان در فصل بندی مطالب و ارتباط بین آن دو مورد غفلت واقع شده است. از مهم ترین مسائل اقتصاد امروز در خصوص مسائل مالی مسئله بانک و ربا ست که در این کتاب به صورت موردی به مسئله ربا در صفحات پایانی پرداخته شده است. مسائل مهم و آسیب های اقتصادی نیز که امروز ذهن مخاطب را به چالش می کشد در قرآن به صراحت مورد نكوهش قرار گرفته است که باید ضمن یاد آوری آن ها به اصلاح آن ها از طریق تبیین راهکارهای قرآنی پرداخت .

بحث مهمی همچون مسائل بانکداری بدون ربا، انواع تسهیلات، نرخ بهره، جریمه دیرکرد، شبهات ربا و نیز مسائل مستحدثه دیگر همچون بیمه و... در سرفصل های جداگانه و حتی به صورت موردی در لابلای بحث های دیگر آورده نشده است. بحث خمس در حد چند سطر و حتی کمتر از مسئله قربانی مورد اشاره قرار گرفته است.

برخی از آیات که در فعالیتهای اقتصادی از جمله مسائل مالی اسلامی، از جایگاه مهمی برخوردارند، در این کتاب مورد غفلت واقع شده است. بزرگترین آیه قرآن کریم در کنار اینکه به رابطه حقوقی بین داین و مدیون و لزوم کتابت و حفظ اسناد تجاری اشاره دارد، به امر حسابداری و شفافیت مالی نیز اشاره دارد. احکام دقیقی که در این آیه در مورد تنظیم سند، برای معاملات ذکر شده است، آن هم با ذکر جزئیات در تمام مراحل، در طولانی ترین آیه قرآن مجید، بیانگر توجه عمیقی است که قرآن، نسبت به امور اقتصادی مسلمین و نظم کار آن ها دارد، مخصوصا با توجه به اینکه این کتاب آسمانی

در جامعه عقب مانده ای نازل گشت که حتی سواد خواندن و نوشتن در آن، بسیار کم بود و حتی آورنده این قرآن، درسی نخوانده بود و به مکتب نرفته بود، و این خود دلیلی است بر عظمت قرآن از یک سو، و اهمیت نظام اقتصادی مسلمین از سوی دیگر. (مکارم شیرازی: ۳۸۱: ۲: ۱۳۷۴)

۷. نتیجه گیری و پیشنهاد

هدف مفسر در تفسیر موضوعی، دستیابی به نظر نهایی و جامع قرآن درباره موضوعی خاص، رفع ابهام و پاسخگویی به شبهات و پرسش های مطرح است. با وجود تلاش مولف در ذکر عناوین مرتبط، پرسش های مطرح در حوزه موضوعات اقتصادی از قبیل تولید یا توزیع، به حوزه های فقهی و تخصصی ارجاع شده است. در حالیکه جاداشت مولف، مطابق با مسائل روز به مسائل اقتصادی قرآن می پرداخت. در مرحله بعد، بهره گیری از نظرات قرآن در خصوص مسائل مهم است چراکه گزاره های مستقل تا زمانیکه به یک الگوی کاربردی منتهی نشوند در حد توصیه های اخلاقی خواهند ماند.

برخی از آیات که در فعالیتهای اقتصادی از جمله مسائل مالی اسلامی، از جایگاه مهمی برخوردارند، در این کتاب مورد غفلت واقع شده است. از مهم ترین مسائل اقتصاد امروز در خصوص مسائل مالی، مسئله بانک و ربا ست که در این کتاب به صورت موردی به آن پرداخته شده است. علاوه بر این در برخی موارد نیز تفسیر موضوعی مطرح شده، مغایر با تفسیر ترتیبی است که در کتب مهم تفسیری بیان شده است.

کتابنامه

- آقائظری، حسن (۱۳۹۴). روش شناسی نظریات علمی اقتصاد اسلامی، مجموعه مقالات کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی، دوره اول - شماره ۵ صص ۶۳۹ تا ۶۵۲
- پگاه حوزه (۱۳۸۶). مرجع اقتصاد اسلامی در اندیشه شهید محمد باقر صدر، شماره ۲۰۵
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۱). زن در آئینه جلال و جمال، مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). اصول اقتصاد اسلامی و راهکارهای آن از منظر فقه، پژوهش های فقهی.
- خادم علیزاده، امیر (۱۳۹۲). تفسیر موضوعی قرآن با رویکرد اقتصادی، تهران، نشر معارف
- خامه گر. محمد (۱۳۸۹). شبکه معنایی موضوعات قرآن، پژوهش های قرآنی، شماره ۶۲ صص ۲۷۱-۲۳۶
- زهیلی، وهبه بن مصطفی (۱۴۱۸ق). التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، بیروت، درالفکر.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۳). المیزان فی تفسیر القرآن، نشر اسماعیلیان

نقدی بر تفسیر موضوعی قرآن کریم با رویکرد اقتصادی ۱۲۵

طبرسی فضل بن حسن (۱۳۵۰) مجمع البیان، تهران، انتشارات فراهانی
طوسی (خواجه نصیرالدین) (۱۳۵۵ ش). محمد، اساس الاقتباس، به تصحیح مدرس رضوی، تهران،
دانشگاه تهران، چاپ دوم
مکارم شیرازی و دیگران، ناصر (۱۳۷۴ ش). تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران نوبت چاپ: سی و
دوم
میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۳) نظریه رفتار تولید کننده و تقاضای کار در اقتصاد اسلامی، اقتصاد
اسلامی، ش ۱۳ صص ۱۰۳-۱۳۴
میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۳). روش کشف ماهیت اقتصاد اسلامی، قیسات، سال نهم